

رای اتومبیل ده کلو برای موتورهای
به بهمنیق اداره حسابداری کل معادن
شبه ۱۶ و ۲۱ دفتر کل معادن تسلیم
باز و خوانده خواهد شد حضور پیشنهاد
است. ش - ۲۶۷
۲۶۷۰ اداره کل معادن

از ده کتاب دبستانی را از اول مهر سال
تسلیم سالن دبستان و از مرداد سال جاری
تواند پیشنهادهای خود را ارجع به
دبستانی و سالن دبستان بدهد و باید متوجه
باشد که تسلیم نباید شریک کنندگان
داشتن اعتباری دست کم بیرون باشد
شبه اجرای مواد مربوط آنرا امتضاء
مسئول حسابداری وزارت فرهنگ پرداخته
باید خود مبلغ دولت ضبط گردد پیشنهادها
ماری باز و بررسی خواهد شد حضور پیشنهاد
ای مختار است.

وزارت فرهنگ

۲۱ و ۲۱

دیار سکه دامپروزی حیدرآباد و اطبق
نظریه‌های مبنای پیشنهادها بایستی تا آخر
پس شود پیشنهاد های رسیده در ساعت
خواهد شد. ۲۰۳۲۹۹

طرف وزارت کشاورزی

شماره ۷۰۰۰

افان لواصت و بیش از صد پنج خاکه
پیشنهاد خود را با رسید بیکسار و بیکار که
وقت اداری سه شنبه ۲۳ تیرماه به دفتر
ساعت ده صبح پنجشنبه ۲۵ تیرماه صبح
به وزارت کشور در و در با قبول هر یک
د - ۳۴۵۸
رئیس اداره حسابداری - هانی

۱۵

تزار چیه مفاتی مضمون تعم توانان را
تا به پیشنهاد بیکسار
سابق شماره ۱۰۰۴۵۹۹۱ بانک ملی ایران
به بیست پیشنهاد خود تا ساعت ۸ صبح
لای مورد مطالعه را در پیش نهاد خود
قبول نخواهد بود.
دفتر اداره توانان باز و خوانده میشود.
وزارت در و در قبول پیش نهاد ها
۲۰۳۲۹۹

بازرگانی و پیشه و هنر

۲۱-

به قرجه دانی فرزند احمد بنام اینکه پیش
کلیان کرده و باین وسیله آگهی میشود که
انکسار کنیا با شما باین دادگاه اعلام دارد
خود.

لین ابوالقاسم وثوقی تهرانی

کی

۵۱ پیش • مورد تقاضای آنا سید حسین
نیامده است.
بود.
وزارت ۲۱ ساعت قبل از ظهر الی ظهر
وز و ساعت مقرر در محل حضور بهرسانه
رئیس بخش جنوب ثبت املاک

تاریخ ۲۱ و ۲۱

۵۰

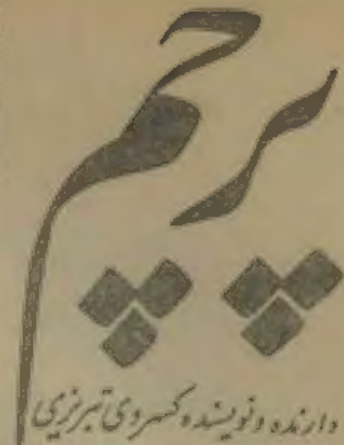
اطلاق و یکبار حیات خارج خانه و یک هفته
۱۶ اصلی کرج و رفته پیش گشتنامگی
طبق مقررات در روز شنبه ۱۳ تیر ماه
ب فروش میرسد طایین میتوانه در روز
۱۶ ریل شروع خواهد شد.

شماره ۶۴۷

رئیس ثبت کرج - شیخ الاسلامی

لوم بود که نبوی محور برای حله‌بردگی
شیخ انگلیسیا بر التالین نیروی زبانی
ساخته اند.
و بزان دانه جدید دیروز با نهایت موفقیت
نوزدهم منور بر آلمان حله بردند.
مبنی دیگر از نیروی متعین در عقب بدشن
کرده اند.

ایان



دارنده و نویسنده کسروی تیریزی

بهای اشتراک

سالانه ۲۰۰۰ ریال یعنی ماهه ۱۰۰۰ ریال
سه ماهه ۶۰۰ ریال
بهای آگهی
هر سطر ۱۰۰ ریال
شبه چهارم ۲۰۰ ریال

جای اداره

بجایان ۱۰۰ کوچه تهران باستایاری
کلی ۶۰۳۶

تک شماره ۷۵ دینار

کلمه هایی که معنایش دانسته نیست

یکی دیگر از آن کلمه ها « تعن » است. این کلمه از پنجاه سال پیش در ایران رواج
یافته و ناده سال پیش که ما معنای آن پیرامون آن نوشتم چندان شیوع داشت که شاید شما روزانه
صد بار آن را می شنیدید و بر صفا های روزانه ها در هر سونی ده بلو می خواندید. کلمه ای بود تازه
پیدا شده و بر زبانها انداده ولی هیچکس معنی درست آن را ندانست هر کسی در معنی مبهم دیگری
بکار می برد.
مثلا یکی می نوشت: « ما تازه با پدر ابراهیم تعن گزاده ایم ». دیگری می نوشت: « تعن
بخروین یز سرایت کرده. صبر ها و زوای ادارات با خاندانهای خود در خیابانها بگرددش می بردارند ».
چون معنای برای تفریح آفرینش (بازیگری) باز گردید در یک روزنامه ای چنین نوشت: « یکندم
دیگری سوی تعن برداشتم ». آنجا که تازه پیرامون آمده بودم چند بار بخ داد که دیدم چون کسی
را می شناسانم چنین می گوید: « آقای میرزاخان از دوستان منست. جوابت حساس منضم ...
بارها می دیدم گفتگو از « کروات » یا از زلف سر می کنند و می گویند: « علامت نیست ».
همیشه می بینم در روزنامه ها و در کتابها اروپا را « دیلی متن » می نامند. روزی گفتاری دو یکن
روزنامه خواندم که نویسنده از فریاد غلب و دزدی سخن رانده می گفت: « تعن در هر کشور که
جا گرفت تعنلانی در آن ایجاد می نماید و آثار بیک و بدی از خود روز میدهد ».
شما اینها را به سبب و به پیشینه نا فهمیده که هر کسی تعن را چه معنای می گرفت. باید
گفت: هیچکس از آن معنی تعن را ندانست و همان اثرهای نوی و غلطیهای تازه ای را که از
اروپا آمده بوده تعن می نامیده اند.

بگردد دکتري که اکنون هم هست و بدانشمندی شناخته میشود گفتاری در « مصوبه
معارف » نوشته بود بدینسان: مردم تصور می کنند تعن میبایست: « یا راست » و « راست » فرنگی ما نیست
اینها همه اشتباه است. تعن تلگراف بیسیم است، رقت، اتومبیل است، دارالفنون است. این که معنی
تعن را میبایست بدیشان معنی کرده بود.

ما هنگامیکه کتابها و گفتارها در باره ما و اروپا نوشتم و یکصدتصه بیاور فراموش است چنان
گفته « اوسته تعنست » من ناگزیر شدم پرسش: « تعن چیست؟ » در برابر این پرسش بود که همگی
آنها را فراموش کردید و بیاور فراموش شد بلایت.

همین تدبیر بیک سبزی را کرد: زیرا بارها رخ داد که در مجلسی بگفتی: « ما از هوا داران
بیان پیدا کرده بیاور می ر می خوانند. ولی همینکه او گفت: آقا اول معنی تعن را بگویند و
میس ایراد گیرید ناچار زبان در می کشیدند.

یکی از آقایان می گفت: کسی از اروپاییان بد زبان بسیار در باره شما میگوید که او
بشد تعن است. من زیاد سخن شما افتاده پرسیدم معنی تعن چیست؟. نظر سخنی زد: « بی ما معنی
تعن و اعم تعنلانیست ». گفت: اگر میباید شرح دهید، بدیشان خلوشش گردانیدم.

شگفت تر آنجاست که ما اکنون بارها معنی دوست نشین را تغییر کرده ایم. با احوال
دیده میشود باز کسانی از معنی دوست را بدیشان نمی خواهند و سلاخی یک دوستیهای بین نسبت می
دهد که مگر تعن عرب هست و میگویم باید ما دست از زمین شرق برداریم.

من بسیار چینی معنی را که گفته اند، بدیشان آیدان تعن را چه معنایی میباشند که
آرا شرقی و غربی می گردانند « ما تعن را بیک معنای بدیمانیم که غربی و غربی تواند بود.

سخن پیش از این داده بودیم. این یک توه است که چگونه فهم ها و شرد ها از کار
افتاده. بگرفته خوانندگی را از پای تا شام در زبان دارند ولی معنی دوست آنها را ندانند. ما در پرچم
بگرفته گفتارهایی در معنی زبانه آغاز کرده معنی هر یک از این کلمه ها را خواهیم روشن گردانید.

بنامه سیروس

اسرار استطاق

دادگاه

(۷۳)

کسی که زبان لغز و تدبیر و بیل معتدایی
آن معاشق و خوفناک را نشکسته باشد. چو ده
که تعیل بگردد و سراسر رنج و غدا بآید در
بر ترملت یک مشت زعمانی عدا دشمنی و دور
از وظیفه و اخلاق چقدر دشوار و طاقت فرسات
بسر بردن در یک محیطی که تمام مظاهر آن برخلاف
میل انسان بوده و حتی آب خوردن هم منظم کسب
احاطه و دانی دشوار باشد کار آسانی نیست هری
سر گشته و تلاشی در یک محیطی که تمام مظاهر آن برخلاف
یا نشویند اضطراب خاطر بسیار از روز روزها
و آب خوردن در حالیکه اشتیاق شوم و خطرناکی
هر لحظه معنی انسان را تهدید نماید فلان تعیل
نی باشد. چنین بود وضع زندگانی محبوسین
سببی در زندان نصر اومن پس از تمام تعلیمات
واضح به « دادگاه » بشر چگونگی زندگانی
محبوسین بر داشت و یکسلسله از غواش داخلی
آن چهار دیواری مرمر و فاش خواهد نمود.
باری با خاطرهای آشفته و ویران بار دیگر
وارد زندان مرمر شدیم. زندان مجرد یک طلسم
دافراش بود و هیچ فکر میکردم، اینجا اینترستان
تربک قرار گاه اندی و جاودانی من خواهد بود.
دلم بفریادم و روان فرسوده میشد من دادن بدی
زبونی را از قدرت نفس خود بیرون میبایست و
جز ترک و استعاضا چاره برای تسکین خاطر خود
نی اندیشیدم بیکاه نشستن و کلاس درس بدینسان
اعصاب مرا خست میسود و اکنون چگونه میتوانم
ببسیار جلی خست ماه در این کلبه های تلخ زنده
سایه هرگز هرگز من خود را میکشم و از این
زجرها و شکنجه های تدبیری آزاد می سازم من
طلعت تحمل این غواشها و زبونیها را ندارم.

مالیات دهنده گان میبایست و اکنون دهنده دار است خود
دولیان غارت و غارت اهل بیت را از خیر
داده و خود بداند باغیگران باشند و با یکدیگر
دولت بدون هیچ دلیل و منطقی افسار را بر
که دولت در برابر آن ضامن حفظ جان و مال

بنامه یکی از دانشمندان

جنگ بیک نقطه حساسی

رسیده است

- ۹ -

۲ - جنگ سیاستویل

همین جنگ هنگامیکه آغاز شد دولت شوروی
بر کنار مانده. ولی جسی با اینکه آلمان بپرونده
بود با وی بیک رغبت. از همان روز نیست
کار آگاهان می دانستند که بظرف دولت شوروی
هیچکس نخواهد بود و بپرونده ایستاده که جنگ او با
آلمان خواهد بود. زیرا چنانکه گفتیم این دولتها
همیشه اندیشه آینده را میکنند و بپرونده ایستاده
فرمانی که در آینده خطر برای ایشان خواهد بود
را نمی بینند از این جهت جنگ آلمان و شوروی
ناچار می بود.

آزادها که دولت شوروی با آلمان پیمان
عدم تعرض بپرونده ایستاده با بگذاشته کسان
بسیاری چنین گفتند: « این همه روس صاف غریب
انگلیس را نخواهد شد » اینجا تصور میکنند که در
جنگ گذشته که روسها از آغاز بیکار شرکت در
آن کردند. غریب انگلیسها را خورده بودند. ولی
اینجا پندارهای بسیار عجیبانه غایت است چه روس
و چه انگلیس و چه آلمان و چه ایتالیا هر یک در
منطق خود هستند و هیچکدام غریب دیگری را
نمی بینند. چنانکه در روز نوشتم در معنای روس
و انگلیس و فرانسه که پس از شکست فرانسه در
برابر آلمان دو سال ۱۸۷۰ آغاز گردید دولت روس
خود پیشکام بود و شکست او دست سوی فرانسه
دوازده بود.

کنتوگان از دولت ترکیه و سیاست است
چنانکه گفتیم کسان چنین می اندیشند که دولت ترکیه
دو میان آلمان و انگلیس با چشم بازی ایستاده و منظر
است که هر طرف که بپرونده ایستاده مسلم گردید با سوسیال
ولی این اندیشه غلط است. ما اگر موقعیت جغرافیایی
ترکیه را در نظر بگیریم خواهیم دید که از موقعیت
اهمیت این دولت در دست داشتن نژادهای استانبول
و قسطنطنیه است.

بدیهیست که این دولت بیک داری آن چارها
علائق میبایست و از هیچراه وضایت نخواهد داشت
آنها را از دست دهد. از آسوی چون اوستا همان
بظرفها با دویای سید و دویای سید دیده گیریم
خواهیم دانست آلمانها که اکنون در دویای سید
تسلط میبایست و از آن دویا با استفاده خواهند داشت
ناگزیرند که در دویای سید برای گرفتن چارها از
دست ترکیه بیکوشش بردارند و در همین حالت
که دیده میشود معانی آلمان و ترکیه با هم سازش ندارد.

از نظر اصول کلی سیاست بایستی دولت ترکیه
بیشتر از این به پیشرفتی گردد ادانه عهد ولی
پیداست که ملاحظاتی مهم دیگری در سیاست و با
معتدلاتی دارد که همچنان به خطری خود ادامه
میدهد و چنانکه در آخر اسامیل تحت و وزیر آن
دولت در گذار خود در برابر گفت همچنان سیاست
بیشتر را دنبال خواهند کرد.

ولی از آسوی یک ننگ دیگری در سیاست
و آن اینکه آیا دیگران نیز همچنان در سیاست عهد
تعرض به ترکیه با سار خواهند نمود و با چیزی را که
آنها در وضع جنگ و دو مبداهای آن پیدا شده
دولت ترکیه را بپرونده ایستاده خواهند گفت.
و آن اینکه آیا دیگران نیز همچنان در سیاست عهد
تعرض به ترکیه با سار خواهند نمود و با چیزی را که
آنها در وضع جنگ و دو مبداهای آن پیدا شده
دولت ترکیه را بپرونده ایستاده خواهند گفت.

این موضوع بسیار مشکوک است. زیرا از یکسو
چنانکه گفتیم داستان دویای سید و سار در پیش
است و از یکسو در نتیجه ایستاده های جنگی
و مصر گدان بسیار می رود که چندی نگذرد که
سوریه و فلسطین میدان جنگ گردد. اگر بیکار
های پیرامون اسکندریه باز بیست آلمانها با سار
باید بیکار است که این بار نوبت سوریه خواهد
رسید و دوسایه حساسی که میان خاک ترکیه و
سوریه میبایست آسوده مانع دولت ترکیه دشوار
بنظر می آید.

علاوه مطلب آنست که مواجبت ترکیه بیشتر
از پیش گردیده و کسان بسیار می رود که دیگر
نی تواند در پیشرفتی پایدار مانده. ولی اینکه در
آدمش جنگ بود کدام طرف باشد بسیار مشکوک است
زیرا از یکسو ملاحظه آینده و از یکسو خطرات
کونی دولت ترکیه را در میان دو طرف مردم
می گردانند.

کرده و افلا نی خواهد در یک چنین هنگام بپرونده
در اینست که دست آنکه در پرچم بادی از سنده بگدان
خلع نامید نداشته ایم. ولی جای افسوس نیست
و چیزی از دست آن سنده بگدان رفته زیرا اگر قریب
که نوشته بودیم آیا سوری میباید؟ در باره
آنها که نوشتم چه اثری داد؟ کیست که به
فریب مردم رسد؟
آن « حربه » سر گشته آلمانها را بیکدیگر
بایستی فرستاده فرستادیم. اگر هیچای داد شارا
آنگاه او احمی گردانید.

یکی از بدخواهان مشروطه

میرزا علی اصغر خان اتابک



یکی از بدخواهان مشروطه اتابک را
باید شرد. ابتدا در زمان ناصرالدین شاه
و مظفرالدین شاه سی سال در ایران حاکمات
کرده بود و بعد علیه ایران چون پادشاه
اولی ایران خواست ورشته حکومت را
بست او را و مقصودش این بود که با
دست او مشروطه را بپرازداند. اتابک در
اندک زمانی در بسیاری از گوشه های
ایران آشوب و خونریزی برپا گردانید و
حاج شیخ فضل الله را بدشتی مشروطه
برانگیخت و بسیاری از نمایندگان مجلس
را با خود هدست ساخت و نزدیک بود که
مشروطه را براندازد اگر نبود که بایک تیر
عالی آقای تیریزی از پا افتاد.

سر داران جنگ



مارشال تیموچنکو



ژنرال فیوگ

این ژنرال از خانواده های قبیسی روس است در ابتدای جنگ مأمور حله خطه ماز و شنه
ویس از شکستین آن خط را دور زمین کشور سویس سپاهیان فرانسه را بدستبرد انداخت مدتی فرمانده
نمای مأمور حله بیکسو بود و تا نزدیک پایتخت روسیه پیش رفت در این اواخر جبهه خلوت متعل
گردید و نقشه گلز ایتری عقبش که بیکاه پیش جبهان را متوجه خود نمود بانکار وی بود این ژنرال
کون هم در این جبهه است و با حریف ژوومندی مانده مارشال تیموچنکو و وروست
مارشال تیموچنکو
ژنرال فیوگ

مارشال تیموچنکو از سرداران اوش سرخ میباید این مارشال از آغاز جنگ دفاع جبهه
بزرگی را دیده داشته و در این مدت دیرینه با دشمن نبرد کرده و نقشه های مهمی بکار برد است اینکه
نام این امر کاردان بر زبانها افتاده و بیک امران شاه افراش سرخ بشمار میرود.

نگارش: واعظیور

آزادگان

- ۴ -

۹ - تاریخچه پیدایش و تأسیس جمعیت آزادگان

کتاب این بوده بود و بیکسار و به اصلاحه آقای
کسروی را در شرف و ادبیت خوانده جانی راه
انداخته که لازمی به معاصر ایران توفیق کرده و
به صدی و حافظ یادیده توفیق و اعتبار نکرسته
است.
ولی همه این بیایلو در مقابل نام خلقت نویس
آقای کسروی تاثیر نکرده و هیچ یک از آن
معاذین خوانسته کاری از پیش نبرد. حتی در باره
ادبیت چون داد و از برای از صد گفراشته آقای
کسروی حاضر شدند کفرانی در باره شر و
ادبیت در انجمن ادبی بدیده و هر کسی هر آزادی
دارد بگوید.

ایشان کفرانی خود را دادند و ادبیت و
معنی کردند ولی کسی از انجمن شیان پیدا نشد
که ایراد حسلی داشته اظهار کند بلکه چنه تلر
از ادای متصف و شرای یا انصاف خدین گفته
های ایشان را کرده و دست از بلوه سرائی و
بیوده گوی خود برداشته.

آقای کسروی در کفرانی خود در انجمن
ادبی تهران چنین گفت: شرف من است متنا سخن
مقی و منظوم سخن هم زانیه احتیاج است تا
احتیاجی در میان نیاید. انسان لب به سخن باز
نمیکند. پس اگر احتیاجی بوده و کسی شری
گفته ما حرفی به آن نداریم ولی چه گوئیم به آن
بلوه گوئی که بدون اینکه احتیاجی سخن باشد و
شده خود نشسته و از رط و رط و آسان و رط و رط
شر و غزل دست کرده و دوان خود را بر کرده
و با بیوسله عر خود دولت خوانسته گان دیوانا نیل
کرده است.

اگر کسی خطا عاقل دن زیبایی شود و در
دوری او اظهار هفتن شده و سوز و گداز خود
را به نظم بیکشه ما آزادی نداریم ولی آن بپیر
هفتنه سازه را که دروغی خود را به غافل زده و
شر ما در فراق بار خیالی خود میگویند چطور
نکوشش نکنیم.

آیا اگر شما کسی را بهینید که در خانه داشته
و بخودی خود حرف بزنند میگویند بی غلامدیوانه
شده است و بیفوق سخن میگویند « ما گفتیم شرم
سخن منظوم است پس اگر کسی آن را بیوده سروده
و بی آنکه نیازی باشد تنها بظاهر هوسلاری و
تلقی سازی شر ما که آید دیوانه او نباید گفت
که از غرور بدور افتاد. ...

مخصوصا چون ایراد جدایی بی توانستید

